نگاهی به «پیرزن جوانی که خواهر من بود»

تیسه‌گردی‌های یک سیزیف

شیما شرافتی: «پیرزن جوانی که خواهر من بود»، آخرین اثر منتشرشده صمد طاهری، رمان کوتاهی است که در آبادان و شیراز می‌گذرد؛ از شط بهمنشیر، سلویج شرکت نفت، لین ۲۳ سده و کانون پرورش فکری آبادان تا عادل‌آباد شیراز و دروازه کازرون. روایتی تلخ از پرویز که نقل آن زیر زبان به شیرینی می‌زند.

«پرویز» راوی داستان، در این اثر انگار یک الگوی واحد را با اطرافیان خود در بازه زمانی نسبتا بلندی تجربه می‌کند. موقعیت جغرافیایی و تاریخی رخدادها دچار تغییر می‌شود، اما او چرخه همیشگی سیزیف‌وارش را با دایره ثابت از اطرافیان، در مکان و زمان دیگر دوباره و چندباره از سر می‌گذراند. و هربار به‌واسطه غلتیدن سنگ -رخدادهای همیشگیِ تکراری- به نقطه اول، یکی از همین اطرافیان دیرآشنای پرویز زیر گرفته می‌شود.

پرویز در گریز از ناکامی، شاید برای جبران استعدادهای نداشته‌اش به ترفندهایی دست می‌زند که به زعم خود او از زیرکی و هوش ذاتی‌اش نشئت می‌گیرد. اما آنچه او هوش و فراست می‌انگارد، در نگاه اکثر قریب به اتفاق اطرافیانش چیزی جز حیله و فریب نیست، خصوصا که خود نیز به آن اذعان دارد: «ورواره، دلم می‌خواد تو همه‌چی موفق بشم. پولدار بشم. بعد همه اونایی رو که دستم می‌اندازند یکی‌یکی مثل سوسک زیر پام له کنم». از همین رو عجیب نیست که سایه نارسیسم راوی برای اطرافیان او تباهی، سیه‌روزی و بداقبالی را رقم می‌زند.

این رمان کوتاه که در ۱۰ فصل پیش می‌رود، گویی کمابیش چهار دهه از زندگی پرویز را در سیر خطیِ آمیخته به تداعی‌ها و فلش‌بک‌ها نقل می‌کند. شاکله اصلی روایت سرراست است، بااین‌حال نویسنده شگردی را در شخصیت راوی وارد می‌کند که به موجب آن سویه‌هایی از جریان سیال روایت چاشنی داستان می‌شود.

نقش «ورواره جادو» و حضور آن در خواب و بیداری پرویز، از سطر اول داستان بار قابل‌اعتنایی از این شگرد را به دوش می‌کشد: «صدیقه پیرزن جوانی بود و خواهر من بود. او وِروره جادو و زشت‌ترین دخترِ دنیا بود. وروره جادویی که شب‌ها توی خوابم می‌آمد، خیلی خوشگل بود. اسمش هم صدیقه بود، اما خواهر من نبود».

از همین سطر اول ته‌رنگی از نوعی دوگانگی در داستان مطرح می‌شود و به تدریج شِمای دقیق‌تری از آن در طول روایت شکل می‌گیرد. گرچه ابهام و ایهام ورواره جادو در پایان داستان، به‌تمامی روشن و مرتفع نمی‌شود، از تعریف اولیه‌ای که راوی از آن دارد خارج نمی‌زند: «مثل پیرزن‌های جادوگری که توی قصه‌های ننه‌ام بود و او بهشان می‌گفت ورواره جادو».

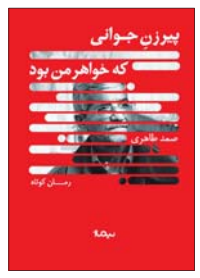

از جنبه‌های دیگری که در طرح‌ریزی فصل‌ها دیده می‌شود، همان چرخه سیزیف‌وار است که در تقدم و تأخر فصل‌ها، گاه به نقطه پیشین و متقدم‌تر ماجرا می‌رود و مجددا در فصل بعد به زمان حال بازمی‌گردد. پشتِ این ظاهرِ اندک به‌هم‌ریخته زمانی و مکانی داستان اما همان مسیر کلی رو به جلو حفظ می‌شود. هرقدر هم که این مسیر، در یک دور باطل و چرخه شاید مقدر و تغییرناپذیر افتاده باشد.

یکی از وجوه قابل‌توجه این اثر، زبان داستان، عبارت‌ها و ترکیب‌های واژگانی به‌کاررفته در آن است، جنبه‌ای که در آثار متأخر ادبیات داستانی تألیفی، شوربختانه بسیار متداول است که سهل‌انگارانه و خام‌دستانه پیاده شود. نویسنده در این اثر گرچه مستقیما لهجه خطه خوزستان را به کار نبسته و از ساختار زبان معیار خارج نمی‌زند، اما هویت بومی روایتش را قویا حفظ کرده، با رنگ و لعابی که از قِیل همین ساختار بومی زبان به مکان‌ها و کاراکترهای داستانی‌اش داده، پختگی و قوام درخوری را به شخصیت‌پردازی و فضاسازی روایت می‌دهد. بی‌آنکه مخاطب ناآشنا به آن اقلیم و زبان، از درک ماجرا جا بماند، یا خود را نسبت به این زبان، غریب و در فاصله ببیند.

نجیب محفوظ و داستان یک شهر

پیام حیدرقزوینی

دو جلد از «سه‌گانه» مشهور نجیب محفوظ اخیرا و با ترجمه محمدرضا مرعشی‌پور به فارسی منتشر شد و بی‌شک این اتفاقی مهم در حوزه ترجمه ادبیات جهانی است. سه‌گانه نجیب محفوظ امروز از آثار کلاسیک ادبیات جهان به شمار می‌رود و بسیاری از منتقدان آن را شاخص‌ترین اثر ادبیات عرب می‌دانند. اینکه چنین اثری تا امروز به فارسی منتشر نشده بود، نشان‌دهنده چند نکته است و مهم‌ترینش اینکه هنوز بخش مهمی از شاهکارهای ادبیات جهان به فارسی ترجمه و منتشر نشده‌اند. اما درعدم انتشار شاهکار نجیب محفوظ نکته‌ای نهان هم وجود دارد و آن اینکه در طول چند دهه اخیر ادبیات جهان عرب و به‌طورکلی ادبیات منطقه‌ای که ما نیز بخشی از آن هستیم نادیده یا دست‌کم گرفته شده و چندان تمایلی نداشته‌ایم که ببینیم مردمی که در همسایگی ما بوده‌اند و بسیاری از مسائل اجتماعی و تاریخی‌شان شبیه به ما بوده، جهان را چگونه دیده‌اند. بخشی از این مسئله البته به کلیشه‌های بازدارنده‌ای که درباره جهان عرب در جامعه ما وجود داشته بازمی‌گردد اما به‌هرحال به نظر می‌رسد امروز تا حدی این دیوارها و تصورات غلط فرهنگی فروریخته و دست‌کم در سال‌های اخیر چندین مترجم عربی به‌طور پیوسته آثاری از ادبیات مدرن عرب به فارسی ترجمه کرده‌اند. «بین‌القصرین» و «قصرالشوق» هر دو با ترجمه محمدرضا مرعشی‌پور در نشر نیلوفر منتشر شده‌اند و جلد سوم با عنوان «سکریه» نیز به‌زودی در همین نشر به چاپ خواهد رسید.

اگرچه نقطه آغاز رمان عربی به پیش از نجیب محفوظ برمی‌گردد و پیشگامان دیگری در جهان عرب پایه‌های رمان را در این منطقه بنیان گذاشتند اما نجیب محفوظ چنان جایگاهی دارد که رمان‌نویسی عرب به پیش و پس از او تقسیم می‌شود. حمدی سکوت در کتاب «رمان عربی» که با ترجمه عظیم طهماسبی به فارسی منتشر شده، می‌گوید از اواسط دهه ۴۰ میلادی با چاپ پیاپی رمان‌های واقع‌گرای نجیب محفوظ، رمان عربی به مرحله تازه‌ای وارد شد و از نواقصی که در آثار نسل پیشگامان وجود داشت، فاصله گرفت. او نوشته است که در آثار نجیب محفوظ دیگر خبری از نواقصی چون حشو، ساختار ازهم‌گسیخته و نامنجسم، وصف بیش از اندازه، افکار بی‌پرده، از این شاخه به آن شاخه پریدن، مبالغه در تصویر حالات و رخدادها و افراط در شخصیت‌پردازی به چشم نمی‌خورد و هر عنصری به شکل طبیعی و خودجوش و درست در سر جای خود قرار گرفته است.

تقریبا همه منتقدان عرب و غیرعرب معتقدند سه‌گانه نجیب محفوظ شاخص‌ترین رمان او و حتی شاید برجسته‌ترین رمان در ادبیات عربی است. سکوت می‌گوید این اثر که بیش از هزار و دویست صفحه است، از خلاقیت و توانایی بالا و پایدار نویسنده حکایت دارد و هر کلمه و پاراگراف آن با وسواس زیادی در خدمت پیرنگ و ترسیم صحنه‌ها و حالت‌ها و معرفی شخصیت‌هایی است که از ذهن خواننده پاک نمی‌شوند. نجیب محفوظ نویسنده پرکاری بود که در میان آثارش، سه‌گانه «بین‌القصرین»، «قصرالشوق» و «سکریه» جایگاهی ویژه دارند و در کنار این سه رمان برخی آثار دیگر نظیر رمان «کوچه مدق» که این نیز توسط مرعشی‌پور به فارسی ترجمه شده، در شمار آثار کلاسیک محفوظ به شمار می‌روند.

یکی از بخش‌های «درس‌گفتارهای ادبیات جهان» از گرنت ال. وات که اثری مفصل است و از حماسه گیلمگش تا آثار معاصر را دربر گرفته، به سه‌گانه محفوظ اختصاص دارد. این کتاب چند سال پیش با ترجمه گروهی از مترجمان و ویراستاری عظیم طهماسبی به فارسی منتشر شد. در درس‌گفتار چهل‌وچهارم این کتاب، نویسنده به برخی شباهت‌های میان فاکنر و نجیب محفوظ اشاره کرده و می‌گوید محفوظ در سه‌گانه‌اش به توصیف مصر و شهر قاهره در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۴ پرداخته چنانچه فاکنر نیز برای روایت داستان یک آمریکایی پیش از جنگ‌های داخلی تا ۱۹۴۰، کنت‌نشینی خیالی با نام یوکناپاتاف خلق کرده بود. او به شباهت دیگری هم اشاره کرده: «فاکنر تا پیش از دریافت جایزه نوبل که او را در کانون توجه سراسر جهان قرار داد، به‌عنوان نویسنده‌ای محلی و منطقه‌ای شناخته می‌شد. نجیب محفوظ هم پیش از آنکه جایزه نوبل را در ۱۹۸۸ دریافت کند و توجه دنیای غرب و خوانندگانی غربی را به خود جلب سازد، تنها در میان جهان عرب به رمان‌نویسی شهرت داشت. همان‌طورکه امروزه فاکنر با عنوان یکی از برترین رمان‌نویسان آمریکایی خوانده می‌شود، محفوظ نیز یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان عرب به‌شمار می‌رود».

گرنت ال. وات می‌گوید محفوظ در داستان‌هایش هم به شیوه‌های روایت شرقی توجه داشته و به‌خوبی شیوه داستان‌نویسی غربی را می‌شناخته است. او به این نکته اشاره کرده که داستان مدرن سابقه‌ای در جهان عرب نداشته و برای همین نویسندگان عرب باید از آغاز این شیوه و تمامی تغییر و تحولات آن را از نو فرامی‌گرفتند و این دقیقا کاری است که محفوظ کرده است. اولین رمان محفوظ که در دهه سوم قرن بیستم نوشته شد، رمانی تاریخی به شیوه والتر اسکات است و درواقع شیوه روایت محفوظ با روش والتر اسکات انطباق داشت. بعد از این محفوظ به سراغ رئالیسم رفت:

«در ۱۹۴۵، او به تاسی از فلوبر شروع به نگارش رمان‌های رئالیستی کرد و سه گانه قاهره نیز... متعلق به این دوره است. در این دوره او تحت تأثیر نویسندگانی جون بالزاک، توماس مان و مارسل پروست است که همگی آثاری نوشته‌اند که سراسر دوران خود را -از طریق به‌نمایش‌گذاشتن زندگی یک خانواده یا گروهی از شخصیت‌های مرتبط به هم در طی نسل‌های مختلف- به تصویر کشده و به‌نوعی معنا بخشیده‌اند. محفوظ در ۱۹۵۹ به مرحله به‌اصطلاح مدرنیستی خود گام نهاد که در طی آن از تکنیک‌های شکست توالی زمان، روایت غیرخطی، زاویه دیدهای چندگانه، روایت به شیوه جریان سیال ذهن و... در رمان‌های خود بهره برد».

وات می‌گوید تعجبی ندارد که محفوظ در «سه‌گانه» روایتی حول زندگی خانواده‌ای از طبقه متوسط جامعه نوشته چراکه این همان موضوعی است که از زمان فلوبر و ایبسن از نویسندگان رئالیست انتظار می‌رفت. محفوظ در این سه بخش رمانش زندگی اعضای خانواده‌ای را در طی سه نسل پی گرفته و زاویه دید داستان نیز سوم شخص محدود است که نشانه‌ای دیگر از رئالیستی‌بودن اثر است. بااین‌حال محفوظ در زمان نوشتن سه‌گانه با آثار نویسندگانی چون جیمز جویس هم آشنا شده بود و تأثیر این آشنایی را می‌توان در جلد دوم سه‌گانه مشاهده کرد و به‌این‌ترتیب رئالیسم نجیب محفوظ در این اثر ویژگی‌هایی خاص هم دارد. همچنین این را هم مطرح کرده‌اند که محفوظ تحت تأثیر فلسفه هنری برگسون بوده و تعریف او از زمان به‌عنوان یک دوره یا تجربه در مقابل فرایند قابل اندازه‌گیری توسط ساعت یا روزشمار قرار داشته است.

نکته مهم دیگر درباره محفوظ، نثر داستان‌هایش است که نثری قابل‌توجه است که این ویژگی در ترجمه‌هایی که محمدرضا مرعشی‌پور از آثار او به دست داده دیده می‌شود. مرعشی‌پور سال‌ها است که به کار ترجمه از زبان عربی مشغول است و آثار متعددی از نجیب محفوظ به فارسی برگردانده و جز این، شناخت خوبی از ادبیات کلاسیک فارسی دارد و اینها باعث شده تا ترجمه‌هایش تشخص زبانی داشته باشند. حمدی سکوت درباره نثر نجیب محفوظ نوشته: «تسلط محفوظ به عربی فصیح به او این امکان را داده است تا با روانی و به نرمی و ظرافت میان زبان والای شعر و زبان عامیانه کوچه و برزن در نوسان باشد».

مرعشی‌پور در ترجمه‌هایش از نجیب محفوظ تلاش کرده نمونه‌های برجسته سبک‌های مختلف داستان‌نویسی او را به دست دهد. نجیب محفوظ اگرچه در بسیاری از آثارش رئالیسمی قابل‌توجه دارد اما دیگر شیوه‌های داستان‌نویسی را به مرور و در طول دوره‌های داستان‌نویسی‌اش آزموده است. حمدی سکوت نوشته که نگاهی اجمالی به آثار محفوظ نشان می‌دهد که او رویکردهای رئالیستی، ناتورالیستی، رمان نسل‌ها، وجودگرایی، رئالیسم جادویی، جریان سیال ذهن، روایت‌پردازی چندصدایی یا به به سبک تعدد راویان و شاهدان را به کار بسته و در میان برخی از آثار او قهرمانان پوچ‌گرا دیده می‌شوند:

«خلاصه باید گفت که رمان‌های نجیب محفوظ تجربه سه سده رمان‌نویسی جهان را در طول سه دهه به‌طور فشرده در خود جمع کرده است. به‌هرروی رمان‌های وی که نماینده رویکردها و مکاتب جهانی رمان‌نویسی است به لحاظ سطح هنری هرگز از شاهکارهای پیروان آن مکاتب در ادبیات مناطق دیگر فروتر نیست».

همان‌طورکه اشاره شد، نجیب محفوظ در سه‌گانه، به میانجی روایت زندگی خانواده احمد عبدالجواد و اطرافیان و بستگان و دامادهایش، تصویری عمیق و با جزئیات از زندگی در قاهره در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۴ به دست داده است. در آغاز رمان مصر هنوز به‌طور رسمی بخشی از امپراطوری عثمانی محسوب می‌شود اما از ۱۸۸۳ به اشغال انگلیس درآمد و در ۱۹۱۴ نیز به کشور تحت‌الحمایه انگلیس تبدیل شد. در روایت محفوظ آشکارا احساسات شدید ضدانگلیسی که در میان مردم مصر جریان دارد دیده می‌شود. در رمان محفوظ می‌بینیم که سیاست چگونه به‌تدریج به درون خانواده هجوم می‌آورد و تأثیر خود را بر آدم‌های سه نسل از خانواده به جا می‌گذارد. تغییراتی که در طول زمان پیش می‌آید و رد این تغییرات بر آدم‌های داستان به‌روشنی قابل مشاهده است. مسائلی چون تغییر وضعیت زنان و روابط میان پدران و فرزندان و تغییر طرز فکر و سلیقه مردم در سه‌گانه محفوظ به‌تدریج دیده می‌شود. حمدی سکوت درباره این ویژگی رمان نوشته:

«محفوظ با آگاهی از تأثیر زمان بر خانواده احمد عبدالجواد و موفقیت بسیار در به‌تصویرکشیدن آن تأثیر در قالبی دقیق و هنری توانسته است این رمان کاملا بومی را به اثر انسانی تمام‌عیاری بدل سازد؛ چراکه رخدادهایی که در طی زمان برای خانواده احمد عبدالجواد پیش آمده است، همان چیزی است که برای هر خانواده‌ای در هر دوره و در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد؛ خانواده‌ای که در رمان بین‌القصرین غرق در شادمانی و سرخوشی و نعمت زندگی است، در رمان سکریه سستی، سکوت، تنهایی، بیماری و مرگ بر آن سایه انداخته است».

در طول سه بخش رمان می‌بینیم که نه‌تنها زمانه و آدم‌ها تغییر می‌کنند بلکه بخشی از آدم‌های داستان از دنیا رفته‌اند. سه‌گانه محفوظ وضوح و شفافیتی دارد که توجه بسیاری از منتقدان را جلب کرده است. رمان در بخش اولش، با ترجمه خواندنی مرعشی‌پور این‌چنین آغاز می‌شود: «نیمه‌شب بیدار شد؛ مثل همیشه که در این هنگام از شب برمی‌خاست اما نه از ساعت شماطه‌دار کمک می‌گرفت و نه از چیز دیگری بلکه تنها دل به ندای رغبتی داشت که در درونش می‌جوشید و با دقت و امانت پایبندش بود. لحظه‌هایی را بین خواب و بیداری در تردید ماند. رؤیاها و نجواهای احساس درهم آمیختند و به او روی آوردند و پیش از اینکه پلک بگشاید، نگران شد که مبادا خواب فریبش بدهد. سرش را تکان داد. تکانی اندک و در تاریکی قیرگون اتاق چشم گشود. هیچ نشانه‌ای نبود که وقت را از آن دریابد. خیابان زیر پایش تا گاهِ پگاه خواب نداشت».

اما انتشار سه‌گانه خود حکایتی است که بی‌شباهت به بسیاری دیگر از شاهکارهای ادبیات جهانی نیست. نجیب محفوظ برای انتشار این مهم‌ترین اثرش دو سال در انتظار ناشر ماند، چراکه کسی حاضر نبود برای انتشار رمانی مفصل در سه جلد ریسک کند. ظاهرا وقتی کار نوشتن رمان تمام می‌شود، در آوریل ۱۹۵۲ محفوظ آن را نزد ناشرش می‌برد درحالی‌که هر سه بخش ذیل یک جلد با عنوان «بین‌القصرین» بود. محفوظ تصور می‌کرد با انتشار این اثر، رمانی هم‌پای آثار کلاسیک ادبیات جهان منتشر خواهد شد اما ناشرش با دیدن جلد ضخیم رمان او می‌گوید «این چه فاجعه بزرگی است» و از انتشار آن خودداری می‌کند. محفوظ از این اتفاق با عنوان سقوط و فروپاشی یاد کرده است. البته بعدتر، یوسف سباعی، نویسنده معاصر مصری، به نجیب محفوظ می‌گوید که رمانش را به‌صورت پاورقی در مجله دولتی تازه تأسیسی منتشر خواهد کرد و چنین هم می‌شود. از آوریل ۱۹۵۴ تا آوریل ۱۹۵۶ بخشی که اکنون «بین‌القصرین» نام دارد در این مجله منتشر می‌شود و با اقبال خوانندگان هم روبه‌رو می‌شود. پس از این ناشری که کتاب را نپذیرفته بود، به سراغ محفوظ می‌رود و با این شرط که رمان در سه جلد منتشر شود انتشار آن را می‌پذیرد. به‌این‌ترتیب جلد اول «بین‌القصرین» نام می‌گیرد و محفوظ بخش دوم و سوم را به ترتیب «قصرالشوق» و «سکریه» می‌نامد.

معرفی کتاب «قدرت دولت‌ها» به مناسبت هفته دولت

علی بیغش: دولت‌ها نه طبیعی‌اند و نه محتوم و نه همیشگی‌اند و نه ایستا؛ بلکه پدیده‌هایی جدید و متأخرند. دولت‌ها اختراع نسبتا جدید اروپایی، هم‌زمان با ظهور و پویایی سرمایه‌داری‌اند. به این اعتبار عمر تقریبی دولت، بیش از ۵۰۰ سال نیست. کتاب قدرت دولت‌های لاکمن نیز در رابطه با قدرت این مصنوع ۵۰۰ساله اروپایی است که به‌تدریج به غیراروپا تسری پیدا کرد. این که چرا دولت‌ها تا پیش از قرن شانزدهم نتوانستند قدرتی کافی برای اعمال حاکمیت بر سرزمین‌هایی که بر آنها ادعای حاکمیت داشتند گردآورند؛ اینکه نهایتا کدام اقدامات گروه‌های مختلف اجتماعی به چنین افزایش قدرتی انجامید و اینکه آینده دولت‌ها در نظام بین‌الملل چه می‌شود محورهای اصلی بحث لاکمن است.

۱) سال‌های دور سیاست

در جوامع نانویسا، قدرت، محدود به گروه‌های خویشاوندی بود. درواقع «تا ۱۰ هزار سال پیش هیچ انسانی نمی‌توانست کنترل درازمدتی بر دیگران جز از طریق خانواده گسترده اعمال کند» (لاکمن،۱۴۰۰:۲۶). این قدرت‌ها فاقد توانایی اعمال «قدرت دائمی و قهرآمیز بر دیگران» بودند. بعدتر در شهرهایی که پنج هزارسال قبل در دره‌های رودخانه‌ای به وجود آمدند، افراد مجبور شدند که «حدی از تمدن و لایه‌بندی اجتماعی و دولت را بپذیرند» (همان، ۲۸). این دولت‌ها تحت حاکمیت خانواده‌های بزرگ بودند. وظیفه حاکمان معمولا ایجاد هماهنگی میان خانواده‌های بزرگ بود و هماهنگی و کنترل تجارت. مردم اساسا چندان متوجه دولت‌ها نمی‌شدند و تنها در زمان توقیف کالا یا بردگانشان از وجود حکام باخبر می‌شدند.

۲) از امپراتوری تا دولتشهر

بعد از آن به امپراتوری‌ها می‌رسیم. امپراتوری، موفق‌ترین موجودیت سیاسی در جهان باستان بود. امپراتوری روم، به‌عنوان موفق‌ترین امپراتوری‌ها، قلمرو خود را از طریق خشونت گسترش می‌داد. اما چالش اصلی امپراتوری روم، مانند سایر امپراتورها، ناتوانی در غلبه بر محدودیت‌های فناورانه بود. از آن‌سو امپراتوری روم با بحران‌های مالی شدیدی مواجه بود. ارتشی که ۷۰ درصد بودجه را می‌بلعید در عین حفظ امپراتوری، زمینه‌ساز فروپاشی روم نیز شد. از آن‌سو، توانایی نخبگان محلی برای ممانعت از ارسال منابع به پایتخت باعث شد نفوذ رومی‌ها بر کل اقتصاد امپراتوری کاهش یابد. شکل مهم دیگر موجودیت سیاسی، قبل از ظهور دولت‌ها، «دولت‌شهرها» بودند. در اروپا تا قبل از قرن شانزدهم، بیشترین تمرکز قدرت و منابع در شهرها بود. «ثروت شهری محصول عقب‌ماندگی اقتصادی بیشتر مناطق اروپا بود» (همان، ۴۸). موفقیت دولت‌شهرها به ضعف شاه‌ها، پاپ‌ها و اشراف بسته بود. اما به دو علت دولت‌شهرها نتوانستند دوام بیاورند. نخست اینکه منابعی که می‌توانستند از شهروندان خود و شبکه‌های تحت کنترلشان جمع کنند محدود بود؛ دوم اینکه اختلاف میان شاه و پاپ و تاجران شهر منجر به جنگ‌های فئودالی و رکود شهر می‌شد.

۳) برآمدن دولت؛ افزایش بُرد قدرت

این وضع پراکنده و این عدم تمرکز، تا آغاز قرن پانزدهم ادامه داشت. نهادهای سیاسی یا در سطح محلی بودند و فقط بر گروه‌ها یا مناطقی با حداکثر چندهزار نفر جمعیت کنترل داشتند، یا موجودیت‌های عظیمی بودند که ادعای حاکمیت مذهبی و فرهنگی و موروثی بر میلیون‌ها نفر را داشتند؛ اما عملا فقط بر درآمد و کار دغدغه‌های تعداد کمی از اتباعشان مسلط بودند. این محدودیت‌ها ابتدا با آغاز قرن شانزدهم در اروپا رفع شد و بعد در قرن‌های بعدی با وسعت و عمق بیشتر در سایر نقاط جهان.

ازاین‌رو، در قرن شانزدهم، دولت‌ها در تمایز با نهادهای سیاسی دیگر تکوین پیدا کردند. تفاوت دولت‌ها با سایر اشکال سیاسی در آن بود که اغلب می‌توانستند انحصار خشونت و مشروعیت در قلمروشان را ادعا کنند. دولت‌شهرها، امپراتورها و قبایل، معمولا برای کسب انحصار در زمینه کاربرد مشروع خشونت تلاشی نمی‌کردند. از این بابت دولت‌ها از نظر جاه‌طلبی و توانایی‌شان برای تقسیم جهان به قلمروهای مختلف، همتایی در تاریخ ندارند. بُرد قدرت دولت‌ها، هر امر سیاسی و حتی اجتماعی را دربرمی‌گیرد. قدرت دولت‌ها، قدرت بر «همه‌چیز» و «درهمه‌جا» است. از قدرت اخذ مالیات و قدرت احداث تأسیسات عمومی تا قدرت واداشتن کودکان به نشستن بر سر کلاس، همه و همه با عاملیت دولت ممکن می‌شود.

۴) نخبگان دولت‌ساز

لاکمن در این بخش از کتاب به شرح و نقد نظریه‌های تکوین دولت از مارکس و وبر تا تیلی و مان می‌پردازد. وی مشکل اکثر نظریه‌های دولت‌سازی را در عدم شناسایی سازوکار اعمال قدرت از سوی بازیگران سیاسی می‌داند. ماهیت دولت‌سازی این نیست که دولت‌ها از طریق نابودی دشمنان در صحنه جنگ یا فرستادن مأمورها و سربازان به شهرها و روستاها برای جمع‌آوری مالیات و کنترل مردم تشکیل شدند بلکه دولت‌ها وقتی به وجود آمدند که نخبگان و ظرفیت‌های سازمانی آنها در قالب یک نهاد واحد متحد شدند. این تمرکز نخبگان است که به تشکیل دولت‌ها می‌انجامد. در واقع دولت‌سازی محصول فرعی و ناخواسته اتحاد نخبگانی بود که می‌خواستند از طریق آن، توانایی بیشتری برای رودررویی با سایر نخبگان و همچنین دهقانان کسب کنند (همان، ۱۰۴).

۵) آینده دولت؛ زوال یا دوام؟

از نظر لاکمن افول سلطه ایالات متحده و تقسیم‌بندی جهان باعث «تقویت دولت‌ها» خواهد شد، مگر در آن مناطقی که فروپاشی زیست‌محیطی منجر به نابودی دولت‌های ضعیف شود. بعد از افول آمریکا، نه چین نه اتحادیه اروپا، نمی‌توانند خلأ ناشی از نبود یک ابرقدرت را پرکنند. درواقع به زعم لاکمن، «منطقه‌گرایی اقتصادی و کاهش نابرابری‌های گسترده بین کشورهای ثروتمند کنونی، نیاز به وجود قدرتی برتر را در مرکز ژئوپلیتیک جهانی کاهش خواهد داد و فضا را برای استقلال اقتصادی و سیاسی ملت‌ها خواهد گشود» (همان،۲۸۰).

به زعم وی، با وجود قدرت نظم جهانی اقتصادی و شرکت‌های چندملیتی، در تحلیل نهایی «دولت‌ها در قالب یک حکومت جهانی ادغام نخواهند شد یا حتی مجبور نخواهند بود که برخی از اختیاراتشان را به نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی واگذار کنند» (لاکمن،۱۴۰۰:۲۸۸). علت آن هم این است که بسیاری از مسائل پیش‌رو در قرن بیست‌ویکم، تنها و تنها با حضور و عاملیت دولت‌ها قابل حل خواهد بود؛ اما صرف حضور دولت‌ها کفایت نمی‌کند. این «دولت‌های قوی» هستند که می‌توانند با تروریسم بجنگند و قواعد جدید برای حفظ محیط زیست را به جامعه بقبولانند و سرنوشت محتوم «دولت‌های ضعیف» فروپاشی و زوال است. کتاب قدرت دولت‌ها را نشر شیرازه، با ترجمه وحید موسوی‌داور، با قیمت ۶۵ هزار تومان روانه بازار کرده است. برای تهیه کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برگ‌برگ (barggbargg) اقدام کنید. با اسکن بارکد زیر به برگ‌برگ بپیوندید.